میراث در خطر

نقش برجسته زن ایران باستان در حال محوشدن

■ نقش برجسته منحصربه‌فرد زن ایران باستان در شهرستان کازرون فارس در حال محو شدن است و در صورت عدم رسیدگی نمی‌توان آینده خوبی برای این اثر تاریخی متصور شد.

به گزارش مهر، شهرستان کازرون دارای گنجینه‌های پرتعداد میراثی و تاریخی است که هر کدام از آنها ضمن اینکه زمینه‌های گردشگری تاریخی و فرهنگی را فراهم کرده فرصت‌های مطالعاتی را نیز در اختیار کارشناسان و محققان قرار داده است.

در این رهگذر کارشناسان از نقش برجسته‌های منحصر به فردی خبر می‌دهند که در این شهرستان مورد حفاظت‌های مستمر قرار نگرفته و خطر محو شدن آنها به شدت وجود دارد.

عضو شورای مرکزی انجمن هم‌اندیشان جوان شهرستان کازرون در گفت‌وگو با مهر گفت: در این شهرستان ۱۰ نقش برجسته مربوط به دوران تاریخی و باستانی وجود دارد که ۹ نقش برجسته مربوط به ساسانیان و یک نقش برجسته هم مربوط به دوره اسلامی است.

محسن عباسپور افزود: از ویژگی‌های منحصر به فرد نقش برجسته‌های کازرون وجود سه نقش برجسته است که در آن تصاویری مربوط به زن در ایران باستان حجاری شده موردی که تقریبا در آثار تاریخی ایران به ندرت مشاهده می‌شود.

وی ادامه داد: این سه نقش که در سه نقطه متفاوت از شهرستان کازرون قرار دارند نقش قندیل، نقش بهرام و نقش پریشو هستند.

عضو شورای مرکزی انجمن هم‌اندیشان جوان شهرستان کازرون اظهار داشت: هر سه این نقوش در محوطه‌هایی قرار دارند که حفاظت مستقیم و مداومی از آنها صورت نمی‌پذیرد و به‌جز سرکشی‌های موردی توسط یگان حفاظت اقدام حفاظتی دیگری از آنها صورت نمی‌گیرد و به‌طور حتم در معرض خطرهای مختلفی به ویژه عوامل انسانی و همچنین عوامل فرسایشی قرار دارند. وی گفت: در این میان البته وضعیت نقش پریشو از دو نقش برجسته دیگر بدتر بوده و صدمات زیادی که به نظر می‌رسد ناشی از عوامل فرسایشی باشد به نقش وارد شده که چنانچه سریع‌تر اقدامات اساسی در این زمینه صورت نگیرد نمی‌توان آینده خوبی را برای این گنجینه تاریخی متصور شد.

عباسپور اظهار داشت: نقش برجسته پریشو برای نخستین‌بار در سال ۸۵ کشف و توسط عمادالدین شیخ‌الحکمایی از پژوهشگران تاریخی وجود چنین

نقشی اعلام شد و از آن زمان تاکنون گرچه برخی پژوهشگران، تحقیقات ابتدایی را درخصوص وضعیت این نقش انجام داده‌اند اما فعالیت جدی تحقیقاتی درخصوص این نقش برجسته و برخی دیگر آثار تاریخی نزدیک به آن، از جمله قلعه و گور دخمه‌ای که در فاصله کوتاهی از آن قرار دارند انجام نشده است.

وی ادامه داد: از طرفی فقدان هرگونه فعالیت حفاظتی ویژه مانند محصور کردن، نمونه‌برداری و اسکن نقش و... این نگرانی را به وجود آورده که در صورت تداوم این وضعیت، رفته رفته این حجاری منحصر به فرد از دیواره‌ای که بر آن واقع شده محو شده و تمام حرف‌هایی را که می‌تواند برای تاریخ داشته باشد با خود از میان ببرد.

عضو شورای مرکزی انجمن هم‌اندیشان جوان شهرستان کازرون تصریح کرد: در خصوصیت اهمیت این نقش برجسته و محوطه باستانی پیرامونش باید یادآور شد همواره تعدد آثار باستانی مربوط به دوران ساسانیان در مناطق مختلفی از کازرون وجود داشته اما این نقش برجسته از انگشت‌شمار آثار باستانی است که در مجاورت تالاب پریشان ایجاد شده و به همراه سایر آثار پیرامونی‌اش می‌تواند حرف‌های فراوانی را درخصوص نوع ارتباط جوامع انسانی در دوران باستان با تالابی که امروزه آن را پریشان می‌نامیم، داشته باشد.

وی گفت: براساس مطالعات ابتدایی که توسط پژوهشگران تاریخی بر روی نقش صورت گرفته مشخص شده این نقش، تصویر یک زن بوده که حجاری آن مربوط به اواخر دوره ساسانی یا اوایل دوره اسلامی است و نقش در ناحیه صورت، پاها و یکی از دست‌ها آسیب‌های جدی دیده و در این قسمت‌ها کاملا از بین رفته اما دست راست، نیم تنه و بخشی از دست چپ آن همچنان سالم برجای مانده است. عضو شورای مرکزی انجمن هم‌اندیشان جوان شهرستان کازرون خاطرنشان کرد: طی ماه‌های اخیر سازمان میراث فرهنگی درحوزه آثار تاریخی واقع در شهرستان کازرون برخی فعالیت‌های مرمتی و حفاظتی امیدبخشی را آغاز کرده و بر همین اساس هم فعالان میراث فرهنگی کازرون امیدوارند دامنه این فعالیت‌های هرچه سریع‌تر به این نقش برجسته منحصر به فرد که در فاصله چند قدمی از تالاب پریشان قرار دارد، برسد.

عباسپور گفت: اقدامات پژوهشی، مرمتی و حفاظتی که نادیده گرفتن آنها درواقع به نوعی نادیده گرفتن ناگفته‌های تاریخی است.

جزییات مرگ مصطفی پروازززاده در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد

وقتی همه خواب بودند

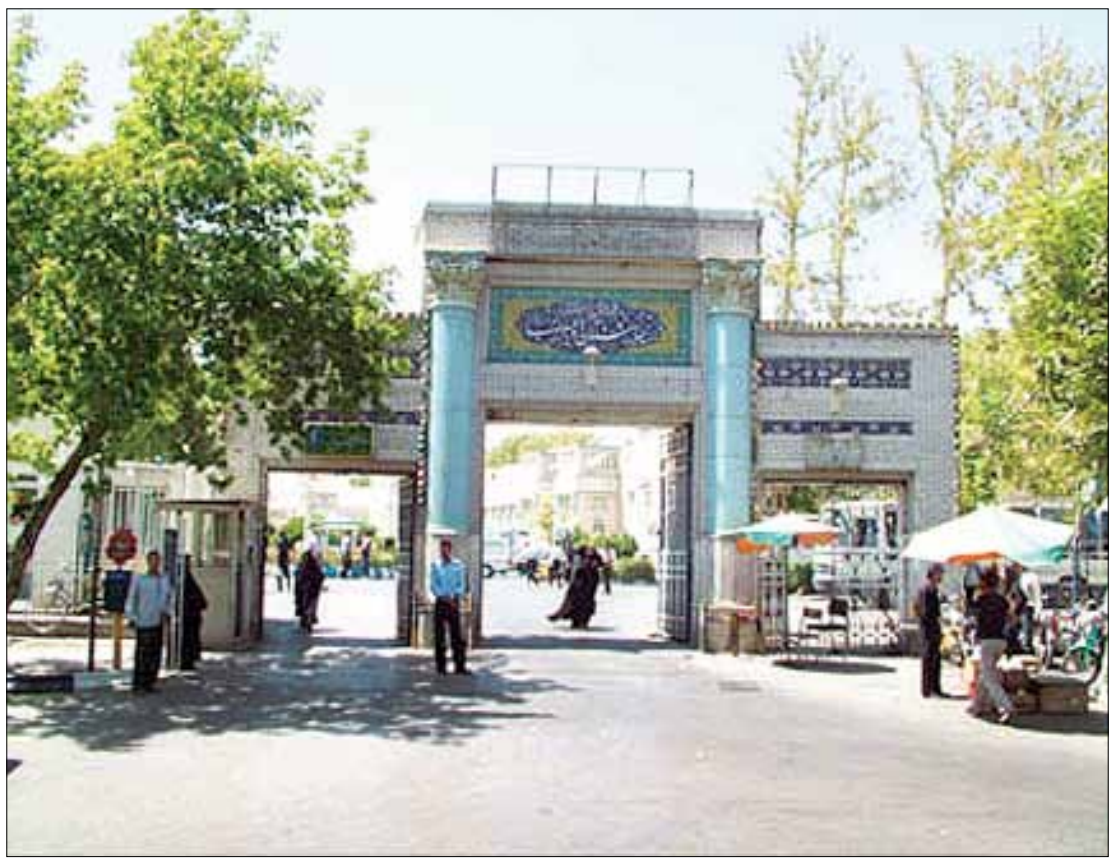

پژمان پاکدل،مشهد: «نفس برادرم به خس‌خس افتاد و من از اتاقش خارج شدم و او هم پشت سرم آمد. من داد می‌زدم و دکتر را می‌خواستم. صورت مصطفی سیاه شده بود، پاهایش را به زمین می‌کوبید و دست و پا می‌زد. پرستاری آمد با من دعوا کرد.»

بار دیگر فاجعه در بیمارستانی در مشهد؛ امروز روز هفتم مصطفی پروازززاده است که قربانی کمبود امکانات بیمارستان‌های دولتی شد؛ قربانی خواب‌آلودگی انترن، قربانی نظریه پزشکی نیروی خدماتی. افرادی که فاجعه مرگ مصطفی را رقم زده‌اند، می‌گویند: «آقا این در کار ما طبیعی است». مصطفی کارگر ساده یک مغازه پروتئینی و پدر هانیه ۱۱ ماهه است یا بهتر است بگویم پدر هانیه ۱۱ ماهه بود، به سراغ برادرش می‌روم؛ مرتضی بوی گلاب و حلوا می‌دهد. چشم‌هایش سرخ است دستی به ریش‌های زبرش می‌کشد، مقابل مسجد باغ پایین خواجو ربیع ایستاده است، صدایش به بغض می‌ماسد و می‌گوید: «به خانمش گفته بودم نگران نباش مراقب مصطفی هستم. ساعت سه شب بود که احساس خفگی می‌کرد. بردیمش بیمارستان، دکتر اورژانس گفت: آبسه است. منتقلش کردند به بخش گوش و حلق و بینی. رزیدنت و انترن برادرم را معاینه و برایش اکسیژن تجویز کردند. انترن رفت بخوابد و رزیدنت هم رفت. یک نفر آنجا بعد از رفتن دکتر به ما دستور پزشکی می‌داد؛ بعد فهمیدم این شخص کارگر بیمارستان بوده است؛ همین بنده خدا آمد و گفت چون قرار است برادرت مرخص شود، نیازی به اکسیژن ندارد و خودش هم کپسول اکسیژن را قطع کرد، اما وقتی دید نفس برادرم در حال بند آمدن است، دوباره خودش آمد و درجه اکسیژن را کم کرد.»

مرتضی ادامه می‌دهد: «بعد متوجه شدم کپسول اکسیژن برادرم تمام شده و برادرم از همان فرد تقاضای اکسیژن کرده بود اما این نیروی خدماتی بیمارستان رفته بود و از اکسیژن هم خبری نبود! جالب اینجاست که در تمام این مدت، فقط همان نیروی خدماتی به ما سر می‌زد و از حضور پرستار – با توجه به وضعیت وخیم برادرم – بر بالین وی خبری نبود.»

مرتضی ادامه ماجرا را این‌گونه تعریف می‌کند: «نفس برادرم به خس‌خس افتاد و من از اتاقش خارج شدم و او هم پشت سرم آمد. من داد می‌زدم و دکتر را می‌خواستم. صورت مصطفی سیاه شده بود، پاهایش را به زمین می‌کوبید و دست و پا می‌زد. پرستاری آمد با من دعوا کرد که چرا مریض را از روی تخت پایین آورده‌ای. برادرم جلو من سیاه و کبود شد و افتاد روی زمین. به من گفتند برو انترن را خبر کن. دکتر و انترن را خبر می‌کردم و فریاد می‌زدم. انترن از اتاقش با چشمانی خواب‌آلود و دکتر هم از طبقه دیگر آمد. دکتر، انترن و پرستاران تا ۱۰دقیقه با هم بگو مگو داشتند که کانکتور نیست، چرا امکانات نداریم و در همین حال برادرم سیاه‌تر شد، دهانش کف کرد و زبانش از دهانش بیرون آمد.»

گفتند تا امضا نکنی برادرت را بستری نمی‌کنیم

برادر مصطفی پروازززاده ادامه می‌دهد: گفتند تا برگه را امضا نکنی برادرت را بستری نمی‌کنیم؛ برگه اعلام رضایت و برائت از ذمه پزشک. گفتند تا امضا نکنی برادرت در سیستم ما ثبت نمی‌شود و نمی‌توانیم به او دارو بدهیم. نگهبان و مسوول حراست بارها به سراغم آمدند تا آن برگه را امضا کنم؛ امضا نکردم. در تمام این مدت یک ساعت و نیم بعد از آغاز عملیات احیا، به‌طور مداوم این درخواست را از من داشتند و این در حالی است که عملیات سی.پی.آر تا نیم ساعت بیشتر جواب نمی‌دهد اما بعد از فوت برادرم همچنان او را ماساژ می‌دادند تا ما امیدوار باشیم که حیات ادامه دارد و کاغذ را امضا کنیم! این مطلب که عملیات سی.پی.آر تنها نیم ساعت جواب می‌دهد را خود رییس بیمارستان به ما گفت. دکتر بیهوشی در بیمارستان نبود، رفتند دنبالش آوردند؛ وقت آمدن، دادوبیداد می‌کرد که چرا به جای من سراغ کسی دیگر نرفته‌اید.

صدور حکم پزشکی قانونی چهار ماه و نیم طول می‌کشد

سازمان پزشکی قانونی زمان صدور رای را چهار ماه و نیم دیگر اعلام کرده است. زمانی عجیب برای صدور این رای است. یکی از کارکنان پزشکی قانونی که نمی‌خواهد نامش فاش شود، در گفت‌وگو با «شرق» اعلام می‌کند بنا بر مصلحت‌هایی و با توجه به جو جامعه این تصمیم گرفته شده است؛ همین کارشناس می‌گوید: پزشکی قانونی نظرش قصور پزشکی است.

برای آرام کردن همراهان بیمار گفتم ما مقصریم

دکتر عباسی، رییس بیمارستان امام‌رضا (ع) در گفت‌وگویی با روزنامه شهرآرا، درباره این واقعه ناگوار می‌گوید: «از انترن که سوال کردم، اعلام کرد وضعیت بیمار کاملا اورژانسی نبود، بنابراین اکسیژن به او وصل کردم و رزیدنت بیمارستان را از ماجرا خبردار کردم، اما بعد از یک ساعت، مریض دچار مشکلات تنفسی شد و کادر پزشکی بالای سر او حاضر شدند و عملیات سی.پی.آر (احیا) روی وی آغاز شد اما این عملیات پس از مدتی جواب نداد و وی جان باخت.»

عباسی ادامه می‌دهد: «در مورد گلایه از من مبنی بر اینکه در ابتدا قصور پزشکی را قبول و بعد از آن، این مساله را انکار کرده‌ام نیز باید اعلام کنم، زمانی که بیماری فوت می‌کند، فشارهای روحی و روانی همراهان بیمار به‌گونه‌ای است که نمی‌توان ابعاد منطقی مساله را برای آنها تشریح کرد، بنابراین تنها کاری که در آن شرایط من می‌توانستم انجام دهم، تلاش برای آرام کردن همراهان مرحوم بود؛ زیرا در آن لحظات تنها چیزی که برادر مرحوم را تسکین می‌داد، شنیدن این جمله از زبان من بود که قصور پزشکی شکل گرفته است و قبول کنید که منطقی صحبت کردن در آن شرایط فقط باعث ایجاد درگیری می‌شد؛ بنابراین من به وی گفتم هر چیزی که شما می‌گویید، درست است و ما رسیدگی می‌کنیم، اما شخصا چون در صحنه و رخداد نبوده‌ام، نمی‌توانم قصور را تایید یا رد کنم.»

عباسی ادامه می‌دهد: «در مورد اصرار همکاران من برای گرفتن رضایت‌نامه هم باید اعلام کنم، رضایت گرفتن همکاران من از همراهان بیمار به این دلیل نیست که اگر قصور پزشکی صورت گرفت، معاف از مجازات باشد و البته این مساله مستندی نخواهد شد که بعدا بیمار نتواند از قصور پزشکی شکایت کند. این رضایت برای این است که مریض با رضایت خود وارد بیمارستان شده و تحت درمان قرار گرفته و شاهد این مدعا هم این است که در پرونده همه پزشکانی هم که قصور کرده و بعد مقصر شناخته شده‌اند نیز این رضایت‌نامه‌ها وجود دارد. ضمن اینکه در بیمارستان، کمیته‌ای به نام کمیته مرگ‌ومیر وجود دارد که به بررسی موارد قصور پزشکی می‌پردازد و مواردی بوده که بیمار یا همراه بیمار در جریان قصور پزشکی نبوده اما این کمیته با بررسی‌هایی که انجام داده، علت مرگ را قصور تشخیص داده و افراد خاطی را به سازمان نظام پزشکی معرفی کرده است.»

اما در مورد اتاق پانسمان هم باید اعلام کنم،درست است که برادر ایشان در اتاق پانسمان حضور داشت، اما این اتاق در بخش اورژانس بیمارستان است و در مورد خوابیدن انترن هنگام وخامت حال مرحوم «مصطفی. پ» هم اگر اثبات شود که انترن در زمان این حادثه خواب بوده، به صراحت اعلام می‌کنم قصور صورت گرفته، با این حال انترن، رزیدنت، پرستار مربوطه و تمام کسانی که در این ماجرا حضور داشته و دخیل بوده‌اند، در حال حاضر تعلیق شده‌اند تا تکلیف این پرونده مشخص شود. اگر قصور انترن مشخص شود، دانشکده پزشکی و دانشگاه رسیدگی قطعی خواهد کرد، زیرا باید بدانند مریضی که ساعت چهار صبح به اورژانس بیمارستان مراجعه کرده، حتما دارای مشکل خاصی بوده و کوتاهی از جانب هیچ‌کدام از کادر بیمارستان پذیرفتنی نیست، اما در پایان اعلام می‌کنم با روشن شدن نتیجه نهایی پزشکی قانونی و ارجاع به نظام پزشکی، کلید این مشکل نیز حل خواهد شد.

به چهره مصطفی پروازززاده خیره می‌شوم، پشت گل‌های گلایل و قرائت سوره یاسین عبدالباسط؛ چهره‌ای که می‌خندد و می‌توانست امروز هم بخندد؛ از مسجد خارج می‌شوم، همه رفته‌اند، چند زن هنوز پشت سرم شیون می‌کنند.

شوری منابع آبی، دشت‌های هرمزگان را فرا گرفته است

امیرحسین طالبی، هرمزگان: در هرمزگان با توجه به افزایش میزان مصرف آب، برداشت بی‌رویه از منابع آبی زیرزمینی، خشکسالی‌های پی‌درپی و عدم تغذیه منابع آبی، کاهش منابع تولید نیز به وقوع پیوسته و اکنون شوری منابع آبی در دشت‌های هرمزگان قابل مشاهده است.

ایران در کمربند بیابانی کره زمین قرار دارد و میانگین بارش در کشور ۲۵۰ میلی‌متر است که این میزان یک سوم میانگین بارش جهانی است. برداشت آب از سفره‌های زیرزمینی در دهه‌های قبل روند تساعدی داشته که همین امر مهم‌ترین دلیل بیابانی شدن دشت ایران و نشست زمین بوده است.

این بحران در حالی در کشور در حال گسترش است که حسین عبدی، مدیر گروه ارشد مدیریت مناطق بیابانی کشور میزان برداشت از آب‌های زیرزمینی در کشور ایران شش برابر میانگین جهانی و به میزان شش میلیارد و صد مترمکعب عنوان می‌کند. حجم کل منابع آب قابل استحصال سطحی و زیرزمینی در استان هرمزگان نیز چهار میلیارد و ۷۵۰ میلیون مترمکعب است که حدود دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون مترمکعب از این مقدار، آبخوان‌های زیرزمینی را تغذیه می‌کند و دو میلیارد و ۲۵۰ میلیون مترمکعب نیز منابع آب‌های سطحی را تشکیل می‌دهد. حدود ۹۶ درصد از آب‌های زیرزمینی استان در بخش کشاورزی و بقیه در بخش‌های شرب و صنعتی مصرف می‌شود. با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و انتظار کاهش میزان مصرف، در برخی از شهرها نه تنها کاهش مصرف نداشته‌ایم، بلکه افزایش مصرف نیز به وقوع پیوست.

مدیرعامل آب منطقه‌ای هرمزگان بیان داشت: با محدودیت منابع آب‌های زیرزمینی و کاهش مداوم سطح آب در دشت‌های استان، باید در نظر داشت که امکان توسعه بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی با توجه به اضافه برداشت‌های صورت گرفته از مخازن در شرایط حاضر فراهم نبوده و از همین‌رو به نظر می‌رسد مهم‌ترین گزینه پیش رو برای تامین آب، توجه به مهار آب‌های سطحی است.

جعفر زیرراهی افزود: در حالی که حدود یک میلیارد و ۳۵۵ میلیون مترمکعب از آب‌های زیرزمینی استان را آب شیرین تشکیل می‌دهد، مقدار برداشت آب شیرین از سفره‌های زیرزمینی در سال یک میلیارد و ۴۵۰ میلیون مترمکعب است و سالانه حدود ۹۵ میلیون مترمکعب آب بیشتر از توان تغذیه آبخوان‌ها اضافه برداشت می‌شود.

زیرراهی ادامه داد: یک میلیارد و ۲۳۰ میلیون مترمکعب از روان آب‌های سطحی استان را آب شیرین تشکیل می‌دهد که با احداث سدها، آب بندها و تغذیه‌های مصنوعی حدود ۶۰۰ میلیون مترمکعب از روان آب‌های شیرین مهار شده و بقیه روان آب‌ها به صورت سیلاب به دریا می‌ریزد. این حجم آب در مقایسه با نیاز آب استان در افق ۱۴۱۰ بسیار ناچیز است و برای تامین آب شرب چاره‌ای جز استفاده از منابع آب شور وجود ندارد. وی اضافه کرد: در حال حاضر مصرف آب شرب استان صد و ۱۱ میلیون مترمکعب در سال است، ولی واقعیت امر این است که در افق هزار و ۴۱۵ نیاز استان فقط برای شرب و صنعت ۳۵۰ میلیون مترمکعب خواهد بود.

تامین آب شرب هرمزگان نیاز به شیرین‌سازی آب دریا دارد

زیرراهی گفت: به واسطه برداشت بیش از حد از منابع آب‌های زیرزمینی، مشکلی برای تامین آب شرب وجود ندارد اما دشت‌ها بیش از این توان برداشت آب را ندارند و برای تامین آب شرب استان باید به روش‌های شیرین‌سازی آب دریا روی آورد.

وی اظهار داشت: هم‌اکنون ۸۱ هزار مترمکعب آب در شبانه‌روز از طریق دریا استحصال می‌شود و طرح شیرین‌سازی ۱۶۸ هزار مترمکعب آب نیز در حال اجراست.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای در ادامه گفت: در بسیاری از مناطق استان با وجود منابع آب زیرزمینی در رسوبات آبرفتی و سازندهای سخت، به دلیل وجود مواد قابل انحلال در واحدهای زمین‌شناسی، آب‌های زیرزمینی دارای کیفیت مناسب جهت مصارف شرب و کشاورزی نیستند.

مشاهده پدیده شوری منابع آب و گسترش اراضی شور در هرمزگان

زیرراهی عنوان کرد: در استان هرمزگان نیز اغلب مناطق غربی چنین وضعیتی را دارند و با وجود اینکه مناطق شرقی و شمالی استان دارای اراضی مناسبی برای کشاورزی هستند اما وقوع پدیده خشکسالی و عدم بارش‌های مناسب و برداشت‌های بی‌رویه از آبخوان‌های زیرزمینی باعث شده هم‌اکنون با پدیده‌هایی مانند شوری منابع آب و گسترش اراضی شور مواجه باشیم که این خود نوعی تهدید جدی برای منابع آب و خاک منطقه به شمار می‌رود.

وی اظهار داشت: ارزیابی شاخص‌ها و نقشه‌های کیفی بیانگر وجود تغییراتی در کیفیت شیمیایی آب‌های زیرزمینی استان بوده به گونه‌ای که طی سالیان اخیر از میزان آب‌های با کیفیت خوب و متوسط در سطح استان کاسته شده و بر تعداد آب‌های با کیفیت نامناسب افزوده شده است.

او با بیان اینکه براساس اندازه‌گیری‌های انجام شده در سطح آبخوان‌های استان، دشت‌های توریان قشم و فارغان حاجی آباد به ترتیب بیشترین و کمترین افزایش تغییرات کیفیت را در طول اندازه‌گیری داشته‌اند، اظهار داشت: ضمن اینکه در گستره آبخوان دشت فارغان سطح آب زیرزمینی به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.

شوری ۱۵ هزار میکروموس آبخوان‌های غرب استان

وی همچنین گفت: آبخوان‌های ناحیه غربی استان با شوری شش هزار تا ۱۵ هزار میکروموس بر سانتی‌متر دارای بیشترین شوری و دشت‌های ناحیه شرقی و شمالی استان با شوری یک هزار تا چهار هزار میکروموس بر سانتی‌متر دارای کمترین شوری و دشت‌های مرکزی استان نیز دارای میانگین شوری دو هزار تا شش هزار میکروموس بر سانتی‌متر هستند.

زیرراهی با اشاره به ریزش ۱۱۷ میلی‌متری در نیمه نخست سال آبی ۹۰-۸۹، درخصوص میزان آبدهی رودخانه‌ها اضافه کرد: میزان آبدهی رودخانه‌های استان به ویژه رودخانه‌های مهم استان در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته و دوره شاخص ۳۰ ساله به ترتیب ۴۶ و ۴۵ درصد کاهش نشان می‌دهد.

وی با بیان اینکه توزیع مکانی بارش در سطح استان یکنواخت نیست، بیان داشت: ارقام بارندگی در سال آبی ۸۹-۸۸ در نوار شمالی استان از وضعیت بهتری برخوردار بوده، در حالی که جزایر استان کمترین میزان بارش را داشته‌اند.

زیرراهی تصریح کرد: کاهش نزولات جوی علاوه بر تاثیر بر کمیت آب رودخانه‌ها تاثیر مهمی در تغییرات کیفی آب ایجاد می‌کند به گونه‌ای که مقایسه میانگین شوری آب رودخانه‌های استان در سال‌های گذشته نشان می‌دهد شوری آب رودخانه‌ها به دلیل کاهش نزولات جوی افزایش یافته است.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای بیان داشت: میانگین بارش سالانه استان حدود ۱۹۶ میلی‌متر بوده که حجم آبی معادل ۲۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون مترمکعب در سال را شامل می‌شود که از این مقدار ۱۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون مترمکعب آن تبخیر می‌شود.

وی اظهار داشت: با مطالعه دشت‌های استان و محاسبات بیلان هیدروژئولوژی تاکنون ۲۹ دشت استان برای حفظ و نگهداری آبخوان‌های موجود از نظر توسعه بهره‌برداری ممنوعه اعلام شده، درحالی‌که تا سال ۸۳ تعداد دشت‌های ممنوعه استان هشت دشت بود و با ادامه روند خشکسالی و کمبود منابع آب دشت‌هایی که عمدتا تامین‌کننده منابع آب شرب بودند، ممنوعه اعلام شدند.

زیرراهی اضافه کرد: محدودیت‌های کمی موجود در دشت‌ها که ناشی از اثرات افت شدید سطح آب زیرزمینی به دلیل خشکسالی اخیر و مصرف بی‌رویه آب بوده و کاهش آبدهی چاه‌های بهره‌برداری را به همراه دارد، علاوه بر تحمیل بار سنگین مالی بر کشاورزان، خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر منابع زیرزمینی بر جای گذاشته است.

مدیرعامل آب و فاضلاب هرمزگان با اشاره به اینکه همه ساله در فصل تابستان با افزایش میزان مصرف آب، فشار وارده به منابع تولید آبی اعم از سطحی و تحت‌الارضی نیز افزایش می‌یابد، تصریح کرد: با توجه به خشکسالی‌های پی‌درپی و عدم تغذیه منابع آبی در این فصل با کاهش منابع تولید نیز روبه‌رو هستیم.

رویداد

خط آهن کرمان – زاهدان زیر شن

■ **مهر:** خط آهن کرمان - زاهدان در حالی در مجاورت کانون‌های شن با هزینه فراوان ساخته شده که به دلیل هجوم شن‌های روان کارشناسان درصدد احداث تونل‌های مصنوعی برای ادامه فعالیت این خط آهن هستند.

به گزارش مهر، گسترش سطوح بیابانی در استان کویری کرمان یک تهدید جدی است که با این روند، انجام اقدامات جدی برای مهار بیابان‌ها بیش از پیش ضرورت دارد.

در حال حاضر از مجموع مساحت ۱۸/۲ میلیون هکتاری استان کرمان، مساحتی بالغ بر ۴/۲ میلیون هکتار به عنوان مناطق تحت تاثیر فرسایش بادی در ۱۶ منطقه استان شناسایی شده است.

همچنین از این مساحت، ۶۷۶ هزار و ۲۳۴ هکتار تحت عنوان کانون‌های بحرانی فرسایش به حساب می‌آیند که سالانه خساراتی بالغ بر میلیون‌ها تومان بر مناطق مسکونی، اراضی کشاورزی، جاده‌های مواصلاتی و دیگر امکانات و تاسیسات وارد می‌کنند.

یکی از بخش‌هایی که به شدت از توفان‌های شن خسارت دیده است، خط راه‌آهن در مسیر استان کرمان به استان سیستان و بلوچستان است که شهر کرمان را به زاهدان متصل می‌کند.

هر چند این خط آهن تنها چند سال پیش راه‌اندازی شد، اما این حقیقتی انکارناپذیر است که این خط آهن به دلیل شرایط خاص اقلیمی در دل کویر در معرض شن‌گرفتگی قرار دارد و خسارات زیادی را متحمل شده است؛ به گونه‌ای که این سوال مطرح می‌شود که آیا هزینه‌های این پروژه می‌تواند انجام آن را توجیه کند؟

نباید دور از ذهن داشت که این خط ریلی در صورت فعال شدن می‌تواند نقش انکارناپذیری در راستای حمل‌ونقل مسافر و کالا داشته باشد اما آیا نباید فکری نیز برای گسترش بیابان‌ها در منطقه کرد.

توفان‌های ۱۲۰روزه سیستان و کانون‌های بحران بیابان منطقه موجب شده است این خط آهن زیر خروارها شن قرار گیرد.

خبرنگار مهر در کرمان در این خصوص با مدیرکل راه‌آهن کرمان تماس گرفت اما این مسوول با بیان اینکه بروز این پدیده در حوزه مسوولیتی وی نیست، از پاسخ دادن خودداری کرد و گفت: مسوولان سیستان و بلوچستان باید در این خصوص پاسخگو باشند.

در همین راستا خبرنگار مهر در زاهدان با مدیرکل راه‌آهن جنوب‌شرق به گفت‌وگو نشست که سید مصطفی داودی در این خصوص گفت: برای احداث راه‌آهن زاهدان - کرمان مسیر دیگری وجود نداشت و به ناچار باید در این مسیر ساخته می‌شد که متاسفانه با وجود شوره گز و حرکت شن‌های روان، گاهی خطوط ریلی با مشکل مواجه است اما تاکنون خسارتی در ارتباط با این موضوع گزارش نشده است و در حال حاضر نیز مشکل چندانی در ارتباط با حرکت شن‌های روان نداریم.

سیدمصطفی داودی افزود: برای حرکت شن‌های روان برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفته از جمله احداث تونل‌های مصنوعی و خرید ماشین‌آلات ماسه‌خور که خارجی است و متاسفانه به دلیل تحریم ایران تاکنون موفق به خرید آن نشده‌ایم اما خوشبختانه این ماشین در ایران در حال ساخت است که با ساخت آن، این مشکل حل خواهد شد.

وی در رابطه با این موضوع که آیا قبل از احداث این پروژه برنامه‌ریزی‌هایی برای بروز این مشکل انجام شده بود یا خیر، اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: ما بهره‌بردار پروژه بودیم و از مسایل قبل از آن اطلاعی ندارم زیرا در حوزه فعالیت ما نبوده است.

وی همچنین در رابطه با تاخیر حرکت قطارها گفت: بعضی مواقع قطارها حتی زودتر از موعد هم حرکت کرده‌اند ولی شاید در ماه دو یا سه قطار تاخیر داشته باشند که این موضوع در مورد پروازهای هوایی هم اتفاق می‌افتد.

در این میان تلاش خبرنگار مهر برای مصاحبه با پیمانکار پروژه نیز به نتیجه نرسید.

با وجود انکار شن‌گرفتگی خطوط راه‌آهن در استان کرمان و سیستان و بلوچستان عکس‌ها و صحبت‌های کارشناسان چیزی دیگر می‌گوید که قابل تامل است.

این کارشناس بیابان‌زدایی در ادامه به انجام عملیات مهار بیابان در استان اشاره کرده و می‌گوید: عملیات مالچ‌پاشی یکی از این اقدامات بوده که الان سه سال است که متوقف شده است.

وی درباره دلیل توقف این عملیات می‌گوید: پیش از این، شرکت نفت مالچ رایگان در اختیار منابع طبیعی قرار می‌داد اما مدتی بعد اعلام شد که برای تهیه مالچ باید هزینه‌ای پرداخت شود.

این کارشناس ادامه می‌دهد: در کنار هزینه‌های بالای ادوات و کرایه حمل این ماده نفتی، اگر قرار باشد هزینه خرید مالچ هم اضافه شود، مبلغ بسیار بالایی باید پرداخت شود که با توجه به بودجه موجود، چنین امری امکان‌پذیر نیست.

این کارشناس بیابان‌زدایی به انجام عملیات نهال‌کاری با گونه‌های مختلف گیاهی برای مهار بیابان در استان کرمان هم اشاره کرده و می‌گوید: در رفسنجان، شهداد و ریگان این کار در حال انجام است اما با توجه به گستردگی منطقه، سطح وسیع بیابان‌ها و اعتبارات موجود، این عملیات کفایت نمی‌کند.

شاهی از اجرای پروژه تله رسوب‌گیر برای جلوگیری از انتقال ذرات به مناطق مسکونی و باغ‌ها هم خبر می‌دهد.

کارشناس بیابان‌زدایی اداره کل منابع طبیعی استان کرمان در ادامه، روند بیابان‌زایی را در حال حاضر یک تهدید جدی دانسته و تصریح می‌کند: چون این مشکل در اثر عوامل اقلیمی و انسانی به وجود می‌آید به دلیل بروز خشکسالی‌های پی‌درپی در چند سال اخیر، تاثیر عوامل اقلیمی تشدید شده است، برنامه‌ای اساسی که اجرایی نمی‌شود.